

هنر رفیع کیش

اهمیت زنگرش سیستمی در مشاوره



دکتر روح‌اله رحیمی
دکترای مشاوره

کلیدواژه‌ها: مشاوره مدرسه، جامعه سالم، خانواده سالم

زن مزرعه‌دار بلافاصله بلند شد و به سوی انباری رفت تا موشی را ببیند که در تله افتاده بود. او در تاریکی متوجه نشد که آنچه در تله‌موش تقلا می‌کرد، موش نبود بلکه مار خطرناکی بود که دمش در تله گیر کرده بود. همین که زن به تله‌موش نزدیک شد، مار پایش را نیش زد و صدای جیغ و فریاد زن به هوا بلند شد.

مرد صاحب مزرعه با شنیدن صدای جیغ از خواب پرید و به طرف صدا رفت. وقتی زنش را در این حال دید، او را فوراً به بیمارستان رساند. بعد از چند روز، حال وی کمی بهتر شد، اما روزی که به خانه برگشت، هنوز تب داشت.

روزها گذشت اما دوا و درمان روی زن خیلی اثر نکرد و مرد صاحب مزرعه به ناچار طبیب را خبر کرد. طبیب بعد از معاینه زن گفت: «برای تقویت بیمار و قطع‌شدن تبش هیچ غذایی مثل سوپ مرغ نیست.» مرد مزرعه‌دار که زنش را خیلی دوست داشت، فوراً به سراغ مرغ رفت و ساعتی بعد بوی خوش سوپ مرغ در تمام مزرعه پیچید. اما ساکنان مزرعه هر چه صبر کردند، تب بیمار قطع نشد. بستگان او شب و روز به خانه آن‌ها رفت‌وآمد می‌کردند تا جویای سلامتی زن شوند. برای همین مرد مزرعه‌دار مجبور شد، گوسفندش را هم قربانی کند تا با گوشت آن برای میهمانان عزیزش غذایی بپزد.

روزها می‌گذشت و حال زن مزرعه‌دار هر روز بدتر از دیروز می‌شد. تا اینکه ناگهان یک روز صبح، در حالی که از درد به خود می‌پیچید، از دنیا رفت و خبر مردن او خیلی زود در روستا پیچید. افراد زیادی از دور و نزدیک در مراسم ختم و خاک‌سپاری او شرکت کردند. بنابراین، مرد مزرعه‌دار مجبور شد از گاوش هم بگذرد و غذای مفصلی برای میهمانان مراسم تدارک ببیند. حالا موش قصه ما

ما در جهانی سیستمی زندگی می‌کنیم. موش از شکاف دیوار سرک کشید تا ببیند این همه سروصدا برای چیست. مرد مزرعه‌دار تازه از شهر رسیده بود و بسته‌های با خود آورده بود. زنش با خوش‌حالی مشغول باز کردن بسته بود. همین که بسته را باز کردند، از ترس، بدن موش به لرزه افتاد، چون صاحب مزرعه یک تله‌موش خریده بود. موش با سرعت به مزرعه برگشت تا این خبر تازه را به همه حیوانات بدهد. او به هرکسی که می‌رسید، می‌گفت: «توی مزرعه یک تله‌موش آورده‌اند، صاحب مزرعه یک تله‌موش خریده است...» مرغ با شنیدن این خبر بال‌هایش را تکان داد و گفت: «برایت متأسفم. از این به بعد خیلی باید مواظب خودت باشی. به هر حال من کاری به تله‌موش ندارم. تله‌موش هم ربطی به من ندارد.»

گوسفند وقتی خبر تله‌موش را شنید، صدای بلندی سر داد و گفت: «من فقط می‌توانم رعایت کنم که توی تله نیفتی، چون خودت خوب می‌دانی که تله‌موش به من ربطی ندارد. مطمئن باش که دعای من پشت‌وپناه تو خواهد بود!»

موش که از حیوانات مزرعه انتظار همدردی داشت، به سراغ گاو رفت. اما گاو هم با شنیدن خبر سری تکان داد و گفت: «من که تا حالا ندیده‌ام یک گاوی توی تله‌موش بیفتد!» او این را گفت و زیر لب پوزخندی زد و دوباره مشغول چریدن شد. سرانجام، موش ناامید از همه‌جا و همه‌کس به لانه‌اش برگشت و در این فکر بود که اگر روزی در تله‌موش گرفتار شود، چه می‌شود؟ در نیمه‌های همان شب، صدای شدید به هم خوردن چیزی در مزرعه پیچید.

علت کیش شدن مهره شاه فقط این نیست که روی خانه خاصی از صفحه شطرنج قرار گرفته است، بلکه محل استقرار وزیر، اسب و حتی سرباز است که باعث شده راه‌ها بسته شوند

به تنهایی از لانه خود به مرغ، گوسفند و گاوی فکر می‌کرد که کاری به کار تله‌موش نداشتند!

این حکایت نام‌آشنا یادآور تفکر سیستمی است. تفکر سیستمی نوعی نگاه به جهان هستی و پدیده‌های موجود در آن است. این شیوه تفکر، روش‌شناسی مؤثری را برای سیستم‌های اجتماعی-فرهنگی در محیط‌های آینده از آشفتگی و پیچیدگی ارائه می‌دهد. در تفکر سیستمی، صرفاً به اجزا و مؤلفه‌های یک سیستم نگاه نمی‌شود، بلکه چگونگی تعامل بین اجزا و نیز برهم‌کنش اجزا و محیط نیز بررسی می‌شود.

حتماً تا به حال کلمه «سیستم» را شنیده‌اید. سیستم‌ها فقط به فضای مکانیکی یا ماشین‌ها محدود نیستند. سیستم یک مفهوم کلی و جامع است که می‌تواند در همه‌جای زندگی ما کاربرد داشته باشد. همه چیز در جهان یک سیستم است! اصلاً ما در یک جهانی سیستمی زندگی می‌کنیم. حتی یک سلول نیز یک سیستم است. به این معنا که اگر جزئی از این سیستم کوچک دچار بدکاری شود، کل عملکرد سیستم با اختلال مواجه می‌شود. اعضای بدن موجودات زنده و گیاهان نیز سیستم هستند. چون اگر سلول‌های تشکیل‌دهنده (به‌عنوان اجزای آن) به‌طور مناسبی نقش خود را ایفا نکنند، عملکرد آن عضو آسیب می‌بینند. ارگان‌بسم‌های حیوانی و گیاهی هم نوعی سیستم بویا هستند. در این سیستم‌های زنده اگر یکی از اعضا وظیفه خود را به سرانجام نرساند، سیستم از چرخش باز خواهد ایستاد و مرگی رخ خواهد داد. ارگان‌بیم‌های مذکور گروه‌ها را می‌سازند؛ برای مثال، اعضای یک خانواده. فرض کنید نوجوان خانواده دچار اعتیاد شود یا کودکی در خانواده بیمار شود. آیا سایر اعضای خانواده می‌توانند خود را از اعتیاد و بیماری آن عضو برکنار بدانند؟ آیا می‌توانند بگویند اعتیاد و بیماری فلان عضو چه ربطی به من دارد؟!

این موضوع دقیقاً یادآور آن روایت مشهور است که: «گروهی از افراد بر یک کشتی سوار شدند و کشتی در عرصه دریا به حرکت درآمد. یکی از مسافران به این عذر و بهانه که محلی که کشتی نشسته‌ام، فقط متعلق به خود من است، به سوراخ کردن همان نقطه از کشتی پرداخت. آب کم‌کم بالا آمد و تمام کشتی را آب فراگرفت و سپس غرق شد. اگر سایر مسافران جلوی این مسافر جسور را گرفته بودند، از غرق شدن کشتی جلوگیری می‌شد.»

وقتی گروه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند، گروه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... جوامع شکل می‌گیرند. جامعه نیز یک سیستم است، به گونه‌ای که اگر یکی از این گروه‌ها، کار خود را خوب انجام ندهد، تمام جامعه گرفتار می‌شود. جمله معروف: «جامعه سالم را خانواده‌های سالم می‌سازند» بیانگر همین نگاه سیستمی است.

حالا می‌رسیم به همان جهان سیستمی که اشاره کردیم. حتماً دیده‌اید که جنگ‌های خاورمیانه و تنش‌های سیاسی در این منطقه از جهان، چگونه سایر نقاط جهان را تحت تأثیر قرار داده است. یا حتماً شنیده‌اید که گاهی قیمت مرغ

و پنیر و پراید در کشورمان چگونه با قیمت‌های جهانی و تحت تأثیر دلار و طلا و ... بالا و پایین شده است! این‌ها همه حکایت از حضور در جهانی سیستمی دارند که تغییری در یک گوشه جهان، موجب تغییراتی در سایر نقاط می‌شود. حال به مدرسه می‌رسیم و دانش‌آموزی که در سیستمی قرار دارد و اگر او را در آن سیستم نبینیم و در سیستم به دنبال علل مشکل و راهکارهای درمانی برای او نباشیم، نباید منتظر تغییر باشیم. نمونه بارز آن مشاور مدرسه‌ای است که گاه با نگرشی غیرسیستمی در پی تغییر دانش‌آموز است و بدون توجه به مدیر، معلم و والدین، دانش‌آموز مذکور را ایزوله می‌کند و با جلسات مکرر و نظریه‌ها و فنون خاص در جست‌وجوی راه برقراری تعادل و کسب سلامتی درمان‌جوی خویش است. غافل از اینکه باید دانش‌آموز را در بافت یا سیستمش دید تا آسیب‌شناسی و متعاقب آن تعادل و سلامتی پدیدار شود. این نگاه سیستمی در مشاوره به معنای مداخله در بافت و شبکه اجتماعی دانش‌آموز است.

آنچه گفته شد، دقیقاً همان چیزی است که لینک^۱، روان‌پزشک اسکاتلندی، به آن «وضعیت کیش‌ومات»^۲ می‌گوید. در بازی شطرنج، وقتی مهره شاه کیش می‌شود، هر چه به مهره شاه نگاه کنید، متوجه دلیل کیش شدنش نمی‌شوید. باید به بستر بازی بنگرید تا در یابید علت کیش شدن مهره شاه فقط این نیست که روی خانه خاصی از صفحه شطرنج قرار گرفته است، بلکه محل استقرار وزیر، اسب و حتی سرباز است که باعث شده راه‌ها بسته شوند و مهره شاه در موقعیت کیش قرار

بگیرد. به همین صورت، اگر قرار است رفع کیش شود، باید ببینیم هر مهره کجا قرار گرفته است. ما می‌توانیم با جابه‌جایی مهره‌های دیگر در زمینه بازی، کیش‌ومات را رفع کنیم. یعنی خیلی مواقع مهره شاه کیش شده است، اما شما مهره شاه را دست نمی‌زنید، بلکه مثلاً یک اسب را بین وزیر متخاصم و مهره شاه قرار می‌دهید و رفع کیش می‌شود! از این‌رو باید دانش‌آموز را در بافت یا سیستمی ببینیم که در آن قرار گرفته است. تا بافت یا سیستم را اصلاح نکنیم، تغییر دانش‌آموز مورد نظر تقریباً امکان‌پذیر نیست. نمونه بارز آن دانش‌آموز مضطربی است که در اتاق مشاوره مدرسه با تکنیک‌های آرامش (ریلکسیشن) و ... از اضطراب او می‌کاهید، ولی در خانه، پدری پرخاشگر و مادری پرتوقع، و در مدرسه مدیری ایرادگیر و معلمی سختگیر، دوباره اضطراب را به جوی روان او بر می‌گردانند. دوباره به همان جمله آغازین برمی‌گردم که ما در جهانی سیستمی زندگی می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. این روایت منتسب به پیامبر اکرم (ص) است.
۲. L.aing
۳. Position of checkmate



► اهمیت نگرش سیستمی در مشاوره
رزمینه را اسکن کنید.